

تحلیل جامعه شناختی رمان «سهم من» با تکیه بر نظریات

«لوسین گلدمن»

دکتر شروین خمسه^۱، نسرين شیرزاده^۲



تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۶

چکیده

رمان «سهم من» اثر پرینوش صنیعی در زمره پر فروش ترین رمان های ۱۴ سال اخیر ایران است که در سال ۸۲ توسط انتشارات روزبهان به چاپ رسید. این رمان با داستان پردازی زیبا علاوه بر نمایاندن شرایط و اوضاع اجتماعی دهه ۰۰ و پس از آن، به توصیف جایگاه زن در آن دوران می پردازد. در این مقاله سعی گردیده است به این مسئله پاسخ داده شود که چگونه عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب نگارش این رمان شده است؟

با توجه به اینکه در جامعه شناسی ادبیات به جهت مفهوم نمودن پیوندهای متن ادبی و جامعه، به بررسی رابطه اثر ادبی و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می پردازد. از این روی در مقاله حاضر تلاش گردیده است بر اساس نظریه «ساخت گرای تکوینی لوسین گلدمن» این اهداف روشن گردد که مفاهیم و موضوعات مربوط به پدیده های اجتماعی در رمان «سهم من» و تاثیر وقایع و اوضاع جامعه بر این رمان؛ همچنین جایگاه زن و نقش او در جامعه چگونه در این اثر ادبی نمود دارد.

در این تحلیل، اثر در دو مرحله دریافت و تشریح که در مرحله دریافت بر اساس تحلیل شخصیت ها و در مرحله تشریح بر اساس تحلیل جامعه مورد بررسی قرار می گیرد. از آنجا که ساختار اجتماعی رمان نیز کاملاً منطبق بر ساختار اجتماعی جامعه است، بسیاری از مولفه های این روش بر آن قابل انطباق است.

واژه های کلیدی: پرینوش صنیعی، سهم من، رمان، لوسین گلدمن، ساخت گرای تکوینی

۱. استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. sh.khamse@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). nasrinshirzadeh@yahoo.com

3. Loucien Goldman

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از پیچیده‌ترین علوم میان‌رشته‌ای است که در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و پس از آن در قرن بیستم با اندیشه متفکرانی از جمله «لوسین گلدمن» به اوج خود رسید. اندیشه‌های گلدمن به دو شاخه اصلی فلسفه و جامعه‌شناسی ادبیات تقسیم می‌شود، اما بیشترین تأثیر وی را باید در جامعه‌شناسی ادبیات و به‌ویژه در جامعه‌شناسی رمان دانست. روش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن بر این فرض بنا نهاده شده است که ساختار آثار ادبی با ساختارهای ذهنی گروه‌های اجتماعی در درون اجتماع شکل می‌گیرد و بنابراین شاعر و نویسنده مولود و محصول اجتماع هستند.

رمان «سهم من» در سال ۱۳۸۹ برنده جایزه بین‌المللی بوک‌چیو^۱ ایتالیا به عنوان بهترین رمان برون مرزی شد و به همین دلیل نیز تا کنون به زبان‌های گوناگونی ترجمه شده است. با توجه به اینکه رویکردهای جامعه‌شناسانه در تحلیل رمان «سهم من» نقش بسزایی دارد و همچنین این رمان تبلور مسائل عصر و اجتماع خودش است و به خصوص نقش زن را در اجتماع روز به خوبی نشان می‌دهد، از این رو با توجه به روش ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن می‌توان این اثر ادبی را نقد و تحلیل جامعه‌شناختی نمود.

رویکرد اولیه نقد و تحلیل جامعه‌شناسی

رویکرد سنتی و اولیه نقد و تحلیل جامعه‌شناختی آثار ادبی را می‌توان جامعه‌شناسی تجربی ادبیات یا جامعه‌شناسی محتوایی ادبیات نامید. آغاز تحلیل جامعه‌شناختی به جنبش علوم جدید اجتماعی و کاوش واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. با شروع قرن بیستم، رویکرد جامعه‌شناختی به نقد و تحلیل ادبی تغییر پیدا کرد و وجه غالب این تغییر متأثر از مارکسیسم بود. مارکسیسم خواهان آشکار کردن قوانین تاریخ و جامعه، آشکار کردن جایگاه اصلی تغییر، جریان عمده تضاد اجتماعی عامل تغییر (طبقه کارگر)، و آینده‌ی بشریت بوده است. هر چند نظریه‌های تکان‌دهنده اجتماعی - اقتصادی مارکس به نقد ادبی کمکی ننمود؛ اما آن را تحت تأثیر قرار داد. مارکس بر این عقیده بود که ادبیات همچون هر پدیده فرهنگی دیگری، بازتابی از ساختار اساسی اقتصاد جامعه است. همان نیروهایی که

^۱ Boccaccio

طبقات اجتماعی را بوجود می‌آورند، باعث خلق آثار حماسی، شعر و نمایش می‌شوند و نمی‌توان بدون در نظر آوردن این نیروها، آثار ادبی را شناخت. گسترش اندیشه‌های مارکس در سطح جهان نظریه‌های ادبی او را به همه کشورها معرفی نمود. مارکسیسم به خلق یک چشم انداز اجتماعی کمک کرد که بخش اعظمی از پژوهش‌های ادبی را تحت تاثیر قرار داد. در دهه ۱۹۳۰ نویسندگان علاقه خاصی به اصلاحات اجتماعی نشان داده‌اند. در این دوره بر به کارگیری ادبیات در برانگیختن کارگران تاکید کرده و ادبیات را آینه حرکت تاریخ اجتماعی می‌دیدند. در واقع کسانی که از مارکس تاثیر پذیرفته‌اند به ادبیات به عنوان صلاحی برای مبارزه نگاه می‌کنند و ادبیات در نگاه مارکسیست‌ها وسیله‌ای برای رسیدن به انقلاب پرولتاریا و از بین رفتن سرمایه‌داری دیده می‌شود. در واقع در مارکسیسم، ادبیات به عنوان روابطی اجتماعی، مبارزات طبقاتی، و تئوری فراساختاری، اجتناب‌ناپذیر شناخته شده است. منتقدان مارکسیست بیان می‌کنند که یک اثر هنری باید این ویژگی‌ها را داشته باشد: نخست؛ باید خوانندگان طبقه پرولتاریا را برای تشخیص نقش خود در مبارزه طبقاتی راهنمایی کند. دوم؛ باید تاثیرات مبارزه طبقاتی را نشان دهد. سوم؛ باید خواننده را وادارد که مشارکت خود را در دوران‌هایی از زندگی که در اثر هنری ترسیم شده است، کاملا حس کند. در آخر نویسنده باید بر این دیدگاه تکیه داشته باشد که طبقه کارگر در جامعه پیشگام است و نویسنده باید خود را در مقام یک پرولتر ببیند و یا تلاشش بر این باشد که عضوی از این طبقات باشد. (رضی، ۱۳۹۲: ۹۳۵).

پس از مارکس می‌توان از لوکاچ نام برد. لوکاچ برجسته‌ترین پژوهشگر جامعه‌شناسی ادبیات در سده بیستم است. به نظر او هر فردی جهان هنری ویژه‌ی خود را می‌آفریند. شیوه‌های گوناگون زندگی افراد باعث می‌شود که آن‌ها درون مایه‌های هنری خاص خود را خلق کنند. بین ساختار اثر ادبی و ساختار ذهنی خالق آن رابطه دیالکتیکی وجود دارد. برخلاف حماسه که به جمع می‌پردازد، رمان به دنیای فرد توجه دارد. بنابراین قهرمان رمان فرد مسئله‌دار است، تقسیم کار و عقلانی شدن آن بروکراسی وسیع و اهمیت کالا و پول در جامعه‌ی مدرن انسان‌ها را به موجودی از خود بیگانه تبدیل کرده است. این اوضاع باعث شده است که انسان مسئله‌دار پدید بیاید. لوکاچ رئالیسم را تنها مکتب بزرگ نویسندگی می‌داند. (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

لوکاچ رمان را مهمترین شکل ادبی دوران مدرن می‌داند و می‌گوید رمان روح بلوغ مردانه است. بر خلاف حماسه که به جمع می‌پردازد، رمان به دنیای فرد توجه دارد و جهان درونی او را نشان می‌دهد. از این رو قهرمان رمان نه جمع، بلکه فرد است، فردی مسئله دار. در جامعه مدرن پدیده شیء‌وارگی بر همه ارکان و افراد جامعه مسلط است. تقسیم کار و عقلانی شدن آن، بروکراسی وسیع و اهمیت روز افزون کالا و پول انسان‌ها را به موجوداتی از خود بیگانه تبدیل کرده است. نتیجه این اوضاع موجب پدید آمدن انسان‌هایی مسئله دار می‌شود که با هر نهاد اجتماعی و تشکیلات جمعی مخالفت می‌ورزند. (لوکاچ، ۱۳۸۷: ۲۲۶)؛

روش ساخت گرای تکوینی:

ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن بر این فرض بنا نهاده شده است که هر رفتار انسانی تلاشی است برای پاسخگویی معنادار به وضعیتی خاص، و از این رو گرایش به آن دارد تا میان فاعل عمل و موضوعی که عمل بدان مربوط می‌شود (جهان پیرامون آدمی) تعادل برقرار کند. (گلدمن، ۱۳۷۷: ۳۱۵).

گلدمن خلق آفرینش‌های هنری را یک کار جمعی می‌داند نه فردی مانند نویسنده که به آن شکل هنری می‌دهد. آفریننده واقعی آثار هنری طبقات اجتماعی هستند. مفهوم جهان‌نگری در اندیشه گلدمن به طرز تفکر یک گروه در برهه‌ای از زمان اشاره دارد و او خلاقیت فردی نویسنده و هنرمند را در فرایند آفرینش ادبی و هنری کم اهمیت می‌داند. او با توجه به نظریه مارکسیسم طبقات اجتماعی را زیر بنای جریان‌های فلسفی، ادبی و هنری می‌شمارد. (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۶).

به عقیده او آفریننده اثر ادبی نه یک فرد، بلکه طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه هستند. یک فرد هرگز نمی‌تواند ساختار ذهنی منسجمی منطبق با طبقه اجتماعی ایجاد کند. پس از آن گلدمن نظرات جامعه‌شناسانه خود را منسجم‌تر کرد و پژوهش‌های خود را از جامعه‌شناسی ادبیات به جامعه‌شناسی رمان محدود کرد. اولین مسئله در جامعه‌شناسی رمان رابطه میان فرم رمان و ساختار اجتماعی است که رمان در آن به وجود آمده است. از دیدگاه گلدمن، رمان برگردانی از زندگی روزمره در عرصه ادبی است و جامعه‌هایی که در خدمت تولید میان فرم ادبی رمان و به معنایی گسترده‌تر، رابطه روزمره انسان‌ها با انسان‌های دیگر،

در جامعه‌ای که برای بازار تولید میکند، همخوانی دقیق وجود دارد. (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۹).
گلدمن به تکوین ساختار اثر ادبی توجه دارد. به عقیده وی اثر ادبی به یک گروه تعلق دارد نه تنها به یک نفر (به نام نویسنده)؛ و این طبقه اجتماعی خود عضوی از ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. بنابراین هر اثر ادبی نمایانگر جهان بینی گروهی است که اثر ادبی در آن به وجود آمده است. ساخت‌گرایی تکوینی در مجموع بررسی ساختار اجتماعی - تاریخی دوره‌ایست که در محتوای اثر ادبی به آن پرداخته می‌شود.

بنابراین هدف اصلی در این روش یافتن پیوندهای میان متن (ادبی یا فلسفی) و جهان‌بینی بر پس‌زمینه تاریخی آنهاست. گلدمن می‌کوشد نشان دهد چگونه موقعیت تاریخی یک گروه یا طبقه اجتماعی به میانجی‌گری جهان بینی آن طبقه در ادبیات انعکاس می‌یابد. پس هر اثر ادبی از آن رو که ساختار اجتماعی و تاریخی دوره‌ای را در خود منعکس می‌کند، سند تاریخی مهمی در بررسی و تحلیل دورانی از جامعه محسوب می‌شود. (عسگری و شهبازی، ۱۳۹۳: ۷۴).

خطوط اساسی ساخت‌گرایی تکوینی:

- ۱- واقعه‌های انسانی، همیشه پدید آورنده‌ی ساخت‌های ره‌نما هستند.
- ۲- پدیدآورندگان راستین فرآورده‌های فرهنگی گروه‌های اجتماعی هستند و نه نفس‌های منفرد.
- ۳- در جامعه تولیدکننده برای بازار، کالبد رمانی بی‌میانجی‌تر از همه‌ی «کالبد‌های ادبی»، بر ساخت اقتصادی و ساخت‌های دادوستد و تولید برای بازار استوار است. در جامعه‌هایی که کوشایی اقتصادی بر همه‌ی زمینه‌های زندگی اجتماعی فرمانرواست، آگاهی همگانی رفته رفته همه واقعت کوشای خود را از دست داده، می‌رود تا بازتابی ساده از زندگی اقتصادی گشته و در نهایت به نابودی گراید. در چنین جامعه‌ای همه‌ی انسان‌ها به سوی ارزش‌های دادوستدها گراییده‌اند؛ ولیک انسان‌های بی‌اندازه کم شماری نیز وجود دارند که به سوی ارزش‌های کاربردی رهنمون شده و هم از این رو، در حاشیه جامعه جای گرفته و به انسان‌های پیچیده دگردیسی می‌یابند؛ هنرمندان در میان این گروه‌هاند.

- ۴- در جامعه تولید کننده برای بازار، ارزش‌های کاربردی اهمیت خود را از دست داده و تبدیل به ارزش‌های ضمنی می‌شوند، درست همچون ارزش‌های اصیل در جهان داستان.
- ۵- منش زیبایی‌شناختی اثر ادبی به غنا و ساخت زبانی آن بستگی دارد. (مصباحی پور ایرانیان، ۱۳۵۸:۳۳).

مفاهیم اساسی در روش ساختگرای گلدمن:

جهان بینی: به مجموعه افکار و اندیشه‌هایی که اعضای گروه و افراد طبقه‌ای را به هم پیوند می‌زند و آنها را از گروه یا طبقه دیگری جدا می‌کند، جهان بینی می‌گویند. وحدت و یکپارچگی هر اثر ادبی بسیار به این جهان‌بینی بستگی دارد، به این معنا که نویسنده برجسته با اطلاع از خواسته‌ها و اندیشه‌های گروهی که در آن زندگی می‌کند، با بیشترین آگاهی ممکن خود به جهان بینی موجود وحدت می‌بخشد. (گلدمن، ۱۳۸۲:۱۳).

ساختار متن: در رویکرد ساخت‌گرای تکوینی روی شخصیت‌ها تمرکز می‌کند و به واسطه این شخصیت‌ها روابط متقابل بین ساختار اجتماعی با ساختار اثر ادبی به وسیله نویسنده شناخته می‌شود. (عسگری و شهبازی، ۱۳۹۳:۶۹).

ساخت اجتماعی: یک اثر ادبی آفریده شده توسط نویسنده از جامعه و فرهنگ جدایی ناپذیر است. (ساعی، ۱۳۹۲:۲۳).

فاعل فرافردی: فاعل‌های فرافردی که در جامعه زندگی می‌کنند، خانواده، صنف‌های شغلی، انجمن‌ها و گروه‌های دوستانه هستند که خالق اصلی آثار ادبی هستند. (گلدمن، ۱۳۸۲:۱۰۰).

قهرمان پروبلماتیک: گلدمن، قهرمان رمان را فردی مسئله دار می‌داند که در جامعه ای که ارزش‌های کمی مانند کالا و سرمایه اهمیت اساسی دارند، ارزش‌های کیفی و اصیل و راستین مانند آزادی، عدالت و عشق را جستجو می‌کند. بنابر این انزوا، تنهایی و درون‌گرایی تنها گریزگاه انسان مسئله دار در جامعه مدرن است. (گلدمن، ۱۳۷۷:۶۶).

شیء وارگی: تبدیل شدن همه ارزش‌های جامعه به ارزش‌های مادی و کالا و سرمایه و از بین رفتن ارزش‌های اصیل و راستین انسانی را پدیده شیء وارگی می‌دانند. (مصباحی پور ایرانیان، ۱۳۵۸:۲۱).

او، و با شروع جنگ تحمیلی پسر بزرگش قاجاقی از مرز عبور داده می‌شود. در سال‌های پایانی جنگ، پسر کوچکش مسعود، به جبهه می‌رود و مفقودالثر می‌شود و پس از پایان جنگ به عنوان رزمنده و آزاده برمی‌گردد و از تمام امتیازات اجتماعی برخوردار می‌شود. معصومه که زمانی نه چندان دور به عنوان همسر یک کمونیست و مادر یک سیاسی حتی از ادامه‌ی کار و تحصیل بازمانده و مشمول «پاکسازی» شده است، خود را مادر یک آزاده می‌بیند و مورد تجلیل و احترام واقع می‌شود!

پسر بزرگ او سیامک، در خارج از کشور ادامه تحصیل داده و ازدواج می‌کند و مسعود نیز با خانواده‌ای مذهبی وصلت و زندگی خوبی را شروع می‌کند. شیرین، دختر و کوچکترین فرزند معصومه، در شرف ازدواج و رفتن به کانادا است که معصومه -که دیگر زن میان سالی شده- عشق دوران جوانی خود، پسر داروخانه‌چی را می‌بیند. او که خانواده اش در آمریکا هستند و حاضر به بازگشت به ایران نیستند، به معصومه پیشنهاد ازدواج می‌دهد. معصومه که همواره دیگران سهم او را از زندگی مقدر کرده‌اند و نگاه جامعه و حتی خانواده‌ی خودش به او تحت تأثیر پدر، برادران، شوهر و فرزندانش بوده، تصمیم به ازدواجش را با فرزندانش در میان می‌گذارد، او که خسته از جنگیدن با زندگی است، در برابر مخالفت فرزندانش با ازدواج آن هم به بهانه‌ی آبرویشان نزد همسران و خانواده‌های آنان، انگیزه‌ی طلب کردن این سهم از زندگی را نیز برای خود از دست می‌دهد، زیرا اینکه دیگران برای او تصمیم بگیرند همیشه یک امر طبیعی بوده است.

گلدمن در روش خود، دو مرحله را برای بررسی اثر ادبی معرفی می‌کند:

مرحله اول دریافت و درک اثر ادبی و توجه به ساختار آن است. در مرحله دوم ساختار اثر ادبی را در ارتباط با ساختار اجتماعی-تاریخی جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و این مرحله را تشریح و توصیف می‌نامد. تلاش ما بر این است تا در ادامه رمان «سهم من» را براساس دو مرحله دریافت و تشریح، تحلیل کنیم.

مرحله اول: دریافت

در این مرحله به توصیف انسجام درونی اثر ادبی پرداخته می‌شود؛ یعنی اثر ادبی در ساختار خود مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب ابتدا به تحلیل شخصیت‌های داستان می‌پردازیم:

۱) معصومه: معصومه نماد مظلومیت و معصومیت یک زن ایرانی است که در زندگی مشکلات و محرومیت‌های فراوانی دیده‌اند و هیچ‌گاه آنگونه که مطابق میل آنان بوده، زندگی نکرده‌اند و محدودیت‌های بسیاری را هم از جانب خانواده و هم از جانب تفکر غالب بر اجتماع، متحمل شده‌اند. مانند:

۱-۱) نداشتن حق ادامه تحصیل و ممانعت خانواده‌ها برای اینکه به عقیده آن‌ها در آن دوران زنی موفق است که خانه داری و شوهر داری خوبی بلد باشد و کلاس خیاطی و آشپزی رفته باشد و این به معنی انتظارات محدود از نقش زن در جامعه است. «هر روز می رفتم حرم حضرت معصومه و قسمش می دادم که کاری کنه تا منو هم با خودشون ببرن و بذارن که مدرسه برم.» (صنعی: ۱۳۸۲: ۴)

۲-۱) اعمال خشونتی که از جانب خانواده بر وی اعمال می‌شود: «احمد پرید وسط اتاق و با پشت دست چنان به دهانم کوفت که مزه شور خون تمام دهانم را پر کرد.» (همان، ۲۳)

۳-۱) سرکوب خواسته‌ها و احساسات و محدودیت در برقرار کردن ارتباط با دوستان. مانند زمانی که دل در گرو عشقی پاک می‌سپارد و این عشق را بزرگترین موهبت خدا می‌داند. گاهی نیز خود را به خاطر این عشق سرزنش می‌کند شده و مورد شماتت خانواده و خشم و خشونت برادرانش قرار می‌گیرد. (همان: ۴۹). و حتی زمانی اجازه خروج از منزل را نیز ندارد: «عید آن سال تنها حسنی که داشت این بود که مرا دو بار از خانه بیرون بردند یک بار برای رفتن به حمام شب عید که چون صبح خیلی زود وقت گرفته بودند هیچ جنبنده ای را در خیابان ندیدم و دیگری برای رفتن به عید دیدنی خانه عمو عباس» (همان: ۶۶).

۱-۴) نداشتن حق انتخاب در ازدواج و سرسپردگی در برابر تحمیل خانواده‌ها بر ازدواج‌های اجباری که منجر به تشکیل زندگی‌هایی خالی از احساس عشق و دلدادگی است. «هرگز به خاطر نمی‌آورم که در مراسم عقد بله گفته باشم.» (همان: ۹۰).

شخصیت معصومه مدام در حال تغییر و تحول است و به مرور زمان رشد و بلوغ فکری او به تکامل میرسد و آزادی‌هایی که از جانب همسرش به او داده می‌شود، او را تبدیل به یک شخصیت پویا، توانمند و با تجربه می‌کند و از او شخصیت مستقل و کاملی می‌سازد.

طبق الگوی گلدمن، معصومه را می‌توان یک قهرمان پروبلماتیک دانست چرا که در دنیایی که ارزش‌های مادی مورد توجه قرار می‌گیرد او ارزش‌های اصیل و راستین چون آزادی و عشقو عدالت را جستجو می‌کند.

۲) حمید: حمید، نماینده یک فرد روشنفکر و تحصیلکرده در جامعه است. به عبارت دیگر، او صدای نویسنده در جامعه است و نویسنده خواسته‌های خودش را در مورد زنان از زبان حمید در داستان بیان می‌دارد. او نسبت به ظلم به زنان ابراز انزجار می‌کند و رابطه زناشویی‌اش برگرفته از رضایت دو طرفه است. (همان: ۹۱) زنان را از ستم‌دیده‌ترین اقشار تاریخ می‌داند و با تفکرات مرد سالارانه به شدت مخالف است. (همان: ۱۱۱) او به همسرش حق ادامه تحصیل و آزادی عمل و آزادی اندیشه می‌دهد و مفهوم جدیدی از ازدواج را برای همسرش ارائه می‌دهد، مفاهیمی مانند تفاهم، آزادی، حقوق مساوی. (همان: ۱۱۶) او نماینده انسان‌هایی است که در طول تاریخ در هویت بخشی و استقلال طلبی زنان نقش به‌سزایی داشتند.

طبق الگوی گلدمن، مفهوم جهان بینی در مورد حمید، صدق می‌کند چرا که او بیانگر تفکر غالب بر داستان به ویژه صدای خود نویسنده در داستان است و این باعث می‌شود که جهان‌بینی که در داستان معرفی می‌شود مبتنی بر تفکرات روشنفکرانه و مخالف با عقاید متحجرانه باشد.

۳) مادر و مادر بزرگ: مادر بزرگ نماد یک زن تمام عیار سنتی است، زنی که هرچند در بطن داستان وجود ندارد، اما سایه او همیشه و همه جا در محرومیت‌های معصوم وجود دارد. وی نماینده زنانی است که خود سردمداران جنگ علیه یکدیگر بوده‌اند و همین زنان بودند که راه را برای ظلم و محرومیت زن در طول تاریخ هموار کردند و شأن و مقام و جایگاه خود را نادیده گرفته و تسلیم بی‌چون و چرای اوامر مردان زندگیشان می‌شوند. هم این زنان هستند که با درک متحجرانه و پوسیده خویش از زندگی، قدرک درک و استقلال و تصمیم‌گیری و اراده را از خود سلب کرده و به دست مردان زندگیشان می‌سپارند و داوطلبانه به آنها اجازه می‌دهند که حتی در جزئی‌ترین مسائل زندگی، آنها را نادیده بگیرند و به آنها به عنوان ابزاری برای تولید نسل نگاه کنند و زنان را موجوداتی ناقص‌العقل بدانند که وظیفه آنها فقط

شست‌وشو و رفت و روب و برطرف کردن نیازهای شوهران و تامین کننده نیازهای پسران خود باشند. این زنان و زنانی از این دست هستند که داوطلبانه جنس مرد را نسبت به خود برتری می‌دهند و شادی و غم خود را در شادی و غم پسران و مردان خود می‌دانند. (همان: ۴).

به معنای واقعی کلمه مادر بزرگ نماد زنانی است که خود به ایجاد نابرابری و ناعدالتی میان جنس خودشان و مردان در طول تاریخ دامن زده‌اند و یکی از مهمترین عوامل قبول تسلیم و پذیرفتن خود آگاه زور و ظلم و بی‌هویتی بوده‌اند. شاید بتوان او و زنان امثال او که تجارب ناپسند خود را سینه به سینه به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند را بتوان به عنوان بزرگترین و مهمترین علت تبعیض و بی‌عدالتی و ظلم به زنان دانست. (همان: ۵۸).

مادر بزرگ خود تقویت‌کننده‌ی این تفکر قدیمی است که فقط و فقط فرزند پسر است که برای خانواده موجب سربلندی می‌شود و به فرزندان دختر کوچکترین توجهی نمی‌شود و غرق در افکار خرافی است: «...برو ننه، خیالت جمع دخترا نمی‌میرن. بود، صدای ننه جون در گوشم می‌پیچید: دخترا نمی‌میرن، نمی‌میرن».

«وقتی به دنیا آمده بود تا به ننه‌جون گفتند بچه دختر است غش کرد، تازه او مشکل دیگری هم دارد، می‌گویند «سرخور» هم هست چون دو پسر بعد از او سقط شده.» (همان: ۶۱).

مادر و تفکرات کسانی که در جامعه مانند مادر بوده‌اند، از مهمترین عوامل سیه‌روزی زنان آن دوره است. چرا که گویی خود زنان به جنگ علیه یکدیگر برخاسته‌اند و گویی نیازها و عواطفشان را قربانی خوشایند همسرانشان می‌کنند، خود را فراموش می‌کنند و همه‌ی هستی و وجودشان را در مردانشان خلاصه می‌شود. مردانی که در نهایت بی‌توجهی فقط آنان را ابزاری می‌دانند که خواسته‌هایشان را برطرف کند. اینگونه زنان، هیچ نقشی در تربیت فرزندان‌شان ندارند. زبان و عملشان، زبان و عمل مردانشان است. اینان تبدیل به موجودات بی‌اراده‌ای شدند که حتی یک تصمیم ساده و کوچک را نمی‌توانند با نظر و میل خودشان به فرجام برسانند.

۴) برادران:

۴-۱) احمد: احمد برادر کوچکتر خانواده، یک جاهل لابلالی خشک متعصب بی‌منطق است که رفتارهای ناشایستش نه تنها معصوم، بلکه کل خانواده را به ستوه آورده است، به جز مادر

که حامی بی چون و چرای اوست. او ناموس پرستی را در اولویت کارهایش می‌داند و مردانگی و مرد بودن خود را در سخت‌گیری و محدودیت بی حد و حصر زنان خانواده‌اش می‌داند. در نهایت می‌توان احمد را نماینده‌ای از قشر متحجر و جاهل گذشته دانست که همیشه زنجیری فولادین بر دست و پای جنس زن جامعه خویش زده‌اند و همیشه آن‌ها را محروم از قدرت اراده و اختیار کرده‌اند.

۴-۲) محمود: محمود برادر بزرگ معصوم است و مردی است که مدام سر به مهر می‌گذارد و طلب استغفار می‌کند. معیار خوب یا بد بودن انسان‌ها را با انجام واجبات و مستحبات دینی می‌داند. او نماینده یک مرد خشک مذهبی تمام عیار است؛ انسان‌های متدین‌نمایی که از انسانیت بویی نبرده‌اند و همه چیز را با حدود شرعی سنجش می‌کنند. نماینده انسان‌های متظاهر و ریاکار و به اصطلاح نان به نرخ روزخوری است که با بی‌شرمی تمام حتی به قیمت له کردن و زیر پا گذاشتن عزیزانش سعی در رسیدن به جایگاه اجتماعی بالا در جامعه دارد و در این راه از هیچ دروغ و تهمت و تظاهری دریغ نمی‌کند. (همان: ۳۸۲).

۵) رفقای حمید: حمید به عنوان عضو ارشد یک گروه سیاسی کمونیستی رفقای دارد که آن‌ها نماینده انسان‌هایی هستند که تا پای جان، حتی به قیمت گذشتن از عشق و خواسته‌ها و آرامش زندگیشان، به پای هدف هایشان، حال این هدف‌ها صحیح یا غلط باشد، می‌ایستند و وجودشان را فدای آرمان‌هایشان می‌کنند. روابط درون سازمانی و تشکیلاتی که در این گروه‌ها مطرح می‌شود، شکل تازه‌ای است که در آن محدودیت‌های جنسیتی برای نخستین بار، جایگاهی ندارد و نوع فعالیت‌ها بر اساس توانایی و شایستگی افراد سنجیده می‌شود، فارغ از آنکه آن شخص مرد باشد یا زن، حتی وقتی یک زن به مقام مدیریت می‌رسد مانند شهرزاد، وظیفه دیگران تبعیت از اوامر اوست. چیزی که تا پیش از آن هرگز نمونه‌ای از آن را در سطح فعال جامعه ندیده‌ایم. در تفکرات این گروه، مذهب و تفکرات سنتی جایگاهی ندارد و آزادی خلق و رهایی از ظلم، به عنوان پایه و اساس خواست‌های این گروه مطرح می‌شود. این گروه نماینده یک اتحاد جمعی برای پیشبرد اهداف است.

مادر بزرگ و برادران و رفقای حمید، همگی طبق الگوی گل‌دمن بیانگر طبقات اجتماعی در جامعه هستند. افرادی از گروه‌های مختلف اجتماعی با ویژگی‌ها و فرهنگ‌های متفاوت

از هم، که از نظر گلدمن جهان پیرامون نویسنده را همین طبقات مختلف اجتماعی، به وجود می‌آورند.

مرحله دوم: تشریح

گلدمن در این مرحله به تشریح ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی جامعه در ساختار اثر ادبی می‌پردازد.

تحلیل جامعه:

الف: بستر تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رمان:

از نظر سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی پیش و پس از انقلاب اسلامی را داریم که قبل از انقلاب غالباً بر اساس تفکرات مارکسیستی ایجاد می‌شد و هدفشان نیز مبارزه با رژیم شاه بود که نمونه‌ای از آن در گروه سیاسی که حمید به عنوان عضو ارشد آن است، در داستان معرفی می‌شود، پس از آن در آستانه پیروزی انقلاب، تمامی اقشار جامعه با رسیدن به تکامل و بلوغ اجتماعی، با اتحاد و همبستگی یکدیگر، فارغ از هر قشر و طبقه‌ای که هستند، با رهبری امام خمینی نقشی در به ثمر رسیدن انقلاب ایفا می‌کنند. «محمود نوار و اعلامیه می‌آورد، علی آنها را تکثیر می‌کرد، من در دانشگاه و اداره توزیع می‌کردم، سیامک هم با همکلاسی‌هایش به خیابان می‌رفت و شعار می‌داد، مسعود دسته‌ی تظاهرات را نقاشی می‌کرد و روی آنها می‌نوشت «آزادی»». (صنّعی، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

بعد از انقلاب، فعالیت این گروه‌های سیاسی با تغییر ایدئولوژی و اهدافی خلاف امنیت کشور و به هدف ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ادامه می‌یابد مانند فعالیت‌های گروهک مجاهدین خلق که فرزند ارشد معصوم به عنوان هوادار این گروه معرفی می‌شود (همان: ۳۴۵). دولت از یک سو باید به مقابله با این گروه‌های سیاسی پردازد که بسیاری از این فعالان سیاسی بازداشت یا اعدام می‌شوند مانند حمید که به جرم فعالیت سیاسی اعدام می‌شود، و از سوی دیگر بحران جنگ کشور را در بر می‌گیرد و تمامی اقشار جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. روح استقلال طلبی و آزادی خواهی در مردم بیدار می‌شود و در میابند که تا آخرین قطره خونشان باید برای حفظ این آب و خاک تلاش کنند و از همین روست که مفهوم ایثار و فرهنگ شهادت وارد روح و جان مردم می‌شود. جنگ تحمیلی ایران و عراق، گویی از جوانان

ایرانی یک مرد کامل ساخته بود. حتی بسیاری از کسانی که عقاید مذهبی و ملی چندانی نداشتند، در آن دوره با همه وجود سینه سپر می‌کردند و مردانه برای حفظ جان و مال و ناموسشان ایستادگی می‌کردند و به مقابله با دشمن می‌پرداختند و آرزوی شهادت داشتند.

« جبهه، چیز دیگه اس، تنها جائیه حس می‌کنم به خدا نزدیکم، نمی‌دونی چه حال و هوایی داره، من اونجا با مسلمونای واقعی آشنا شدم که هیچ ارزشی برای مال دنیا و مادیات قایل نیستند، کنار اونا آرامش دارم. به خدا نزدیکم.» (همان: ۳۸۱).

پسر و برادرزاده‌ی معصوم نمونه‌ای از جوانانی هستند که در راه این جنگ اسیر و شهید شدند. از طرفی دولت ناچار است که تمام قوای اقتصادی خود را صرف دفاع از کشور کند و همین امر کشور را با رکود اقتصادی مواجه می‌کند. بحران جنگ وضعیت معیشتی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد، خصوصاً زنانی مانند معصوم که سرپرست خانواده بودند و مسئولیت امرار معاش خانواده بر دوش آنان بود. از نظر فرهنگی و اجتماعی، پیش از انقلاب تفکرات سنتی و تبعیض‌های جنسیتی در جامعه فراوان دیده می‌شود و نگاه به زن، نگاه محدودی است و انتظاراتی که از نقش زن در جامعه است، انتظارات محدودی مانند برطرف کردن نیازهای همسر و پختن و شستن سایر مواردی است که به هر کدام از آن‌ها برچسب وظایف زنانه زده می‌شود. در آن دوران مذکور کمتر شاهد آن هستیم که زنان مسئولیت‌های اجتماعی بر عهده داشته باشند، گرچه زنانی مانند شهرزاد نیز در جامعه‌ی موجود در داستان معرفی می‌شوند که نماینده زنان تحصیلکرده و فعال اجتماعی هستند، اما باز هم تعداد اندکی دارند و به عبارتی زنان نقش‌های منفعلی دارند، سطح عقاید آن‌ها ناشی از فرهنگ عوامانه و پایین بودن سطح سواد و عقایدی سنتی آمیخته با عقاید خرافی است که پس از انقلاب تعریف زن و نقش‌ها و انتظاراتی که از او می‌رود، مفهوم جدیدی می‌یابد و شاهد حضور زنان در سطوح دانشگاهی و اجتماعی در جامعه هستیم.

ساختار رمان و اندیشه‌های قهرمان پروبلماتیک آن یعنی معصوم، در جهت نشان دادن تفاوت‌های طبقاتی است. در جامعه‌ای که معصوم روایت می‌کند، وضعیت خانوادگی افراد روشنفکر و تحصیلکرده خوب است و انسان‌هایی از این دست غالباً وضعیت شغلی و اداری نسبتاً خوبی دارند، در مقابل وضعیت خانواده‌هایی که با سبک سنتی و متحجرانه زندگی می‌کنند

و فرهنگ عوامانه دارند به سختی سپری می‌شود.

ب: اخلاق اجتماعی

تربیت اجتماعی هر شخصیت در رمان «سهم من» کیفیت خاص خود را دارد، در قشر فرودست و عوام جامعه که فقر و ناآگاهی بر تمام لایه‌های شخصیت انسان‌ها حکم فرماست، جز فساد، چیزی به بار نمی‌آید. خصوصاً که شناخت و شعور و آگاهی در این طبقه جایگاهی ندارد، برای مثال نحوه برخورد احمد با معصوم و اعمال خشونت او ناشی از نادانی و نبود نیروی تعقل در وجود این شخصیت است. همین فقر فرهنگی و نبود تربیت اجتماعی در اکثر افراد جامعه دیده می‌شود و همین افراد هستند که سرنوشت بسیاری از معصوم‌ها را به خاطر بی‌تدبیری و ناآگاهی، نابود می‌کنند.

ج: نقش رهبران مبارز و انقلابی

افراد انقلابی که روشنفکران اهل عمل هستند، کاری که در این چشم اندازها می‌کنند، این است که به این انسان‌ها یاری می‌رسانند تا از گرایش‌های طبیعی که در اعماق وجودشان نهفته است، آگاهی به دست آورند. جریان پیروزی انقلاب و به رهبری امام خمینی و همچنین آگاهی و شعور بالای مردم در حضور خالصانه در جبهه‌های جنگ در طول جنگ تحمیلی، نمونه‌ای از این نقش پر بار رهبران و مبارزان انقلابی است. در مقابل فعالیت گروه‌های ضد انقلاب و به رهبری مجاهدان با تفکرات مارکسیستی نیز خود نقش دیگری از این افراد را در جامعه رقم می‌زند.

د: نقش توده مردم در پیروزی‌های انقلابی

در رمان، بسیاری از صحنه‌های همدلی و همیاری مردم در جریان پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی را به تصویر می‌کشد: «محمود نوار و اعلامیه می‌آورد، علی آنها را تکثیر می‌کرد، من در دانشگاه و اداره توزیع می‌کردم، سیامک هم با همکلاسی‌هایش به خیابان می‌رفت و شعار می‌داد، مسعود دسته‌ی تظاهرات را نقاشی می‌کرد و روی آنها می‌نوشت «آزادی».

شبها روی پشت بام‌ها الله‌اکبر می‌گفتیم و از راه فراری که سال‌ها پیش حمید تدارک دیده بود به خانه همسایه‌ها می‌رفتیم، هر شب تا دیروقت به بحث و تبادل نظر می‌گذشت، همه مردم از کوچک و بزرگ برای خود یک پاصاحب نظر سیاسی شده بودند» (صنّعی، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

این موضوع نشان دهنده آن است که افراد جامعه، فارغ از هر قشر و طبقه‌ای، برای به ثمر رسیدن اهداف والای انقلابی خود در یک جبهه قرار می‌گیرند و با همیاری و همدلی در به ثمر رسیدن آن حتی تا پای جان نیز، شرکت می‌کنند.

ه: پدیده شی‌وارگی

در جوامع استبدادی، همانند جوامعی که پیش از انقلاب، در دهه ۳۰ تا ۵۰ در اوج آن هستیم، با پدیده شی‌وارگی طبقه کارگر و زحمتکش روبه‌رو هستیم. مبارزاتی که حمید از آن دم می‌زند، در واقع مبارزه با همین تفاوت نظام سرمایه داری است: «همیشه سیستمهای حکومتی برای کسب هرچه بیشتر قدرت و سرمایه از گردهی مردم بیچاره و توده‌ی بی‌پناه کار کشیدن و دسترنج اونا رو به جیبای گشادشون سرازیر کردن، نتیجه یک چنین سیستم‌هایی، بی‌عدالتی، رنج، بدبختی و فقر برای مردم. کسی که می‌فهمه، موظفه که جلوی ظلم بایسته، هر انسان آزاده‌ای اگر با بی‌عدالتی مبارزه کنه، سیستم سرنگون می‌شه این جبر تاریخه، و بالاخره ستم‌دیدگان جهان با هم متحد خواهند شد و تمام این بی‌عدالتی‌ها و خیانت‌ها رو از میان بر خواهند داشت، ما باید کاری کنیم که زمینه‌ی این اتحاد و قیام هرچه زودتر فراهم بشه».

(صنعی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

به نوع دیگری این احساس شیء شدن را در مورد زنان جامعه نیز شاهد هستیم. در فرهنگ طبقات فرودست، زن‌ها تبدیل به شیء یا وسیله‌ای می‌شوند برای برطرف کردن نیازهای خانواده و شخصیت و هویت آن‌ها نادیده گرفته می‌شود، مانند شخصیت مادر و مادر بزرگ که کاملاً نماد پدیده شیء‌وارگی در الگوی گل‌دمن هستند.

ی: اعتراض

«سهم من» را میتوان رمان اعتراض دانست، نویسنده به همه شخصیت‌های داستانش فرصت ابراز وجود می‌دهد. شخصیت‌ها در هر جایگاه اجتماعی که باشند، نسبت به وضعیت خود معترض هستند. معصومه به ظلم و ستمی که به او روا داشته شده معترض است و حمید نسبت که ظلم حکومت‌های استبدادی بر مردم طبقه کارگر و زحمتکش. از طرفی در سطح وسیع‌تر می‌توان اعتراض عموم مردم را نسبت به وضعیت نابه سامان جامعه در قالب مبارزات انقلابی و تلاش برای پیروزی انقلاب و مبارزه علیه ظلم و ستم، به وضوح دید.

نتیجه گیری:

با توجه به هدف اصلی گلدمن که معتقد بود که میان جهان رمان نویسنده و یک گروه اجتماعی در دوره مورد بحث، پیوند برقرار است. رمان «سهم من» نیز برگردانی از زندگی روزمره جامعه پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن را به رشته تحریر در می‌آورد، صنیعی، جهان‌نگری و بینش احزاب و گروه‌های سیاسی و همچنین عقاید روشنفکران جامعه را به خوبی به تصویر کشیده است. نویسنده در این رمان چند بعدی، به توصیف جامعه و تاریخ و سیاست دوره پیش از انقلاب خصوصاً دهه ۴۰ می‌پردازد، رمان به دلیل پرداختن به مسائلی چون وضعیت فرهنگی مردم و نحوه برخورد آن‌ها با جنس زن و جایگاه آن در پیش و پس از انقلاب اسلامی، سطح اعتقادات عوامانه مردم در برخورد با مسائل همانند اعتقادات خرافی، وضعیت معیشتی عموم جامعه، اعتقادات روشنفکران و احزاب سیاسی در جامعه در قالب بروز شخصیت حمید، تنوع سطح فرهنگی و تحصیلی در اقصاء مختلف جامعه، پرداختن به حوادث مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن شرح اتفاقات و حوادث مربوط به جنگ و تاثیر آن بر زندگی مردم و بسیاری از مسائلی از این دست، سبب شده است که این اثر را یک رئالیسم اجتماعی بدانیم که توانسته مسائل جامعه را به خوبی انعکاس داده و مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند.

با تحلیل شخصیت‌های داستان و همچنین تحلیل جامعه در دو مرحله دریافت و تشریح و انطباق آن با مولفه‌های گلدمن مشخص می‌شود که:

(۱) معصومه نماد کامل یک قهرمان پروبلماتیک است زیرا در جامعه‌ای که همه‌ی ارزش‌های راستین و بشری نادیده گرفته شده و پدیده‌ی شی‌وارگی خصوصاً در رابطه با نگاه ابزاری به زن در جامعه مذکور قابل مشاهده است، وی ارزش‌های اصیل و انسانی چون آزادی و عشق و عدالت را جستجو می‌کند. همچنین به دلیل اینکه ساختار جامعه‌ای که در رمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد کاملاً منطبق بر ساختارهای جامعه است، از این رو مولفه‌های ساخت اجتماعی، فاعل‌های فرافردی و ساختار متن، به خوبی در آن نمود دارد. از طرفی حمید صدای خود نویسنده است که بیانگر جهان بینی الگوی گلدمن مطرح می‌شود و از طرفی

شخصیت‌هایی مانند مادر، مادر بزرگ، برادران و... نماینده طبقات مختلف جامعه هستند که طبق نظر گلدمن، رمان از درون این اقشار گوناگون جامعه شکل می‌گیرد.

۲) با توجه به اینکه نویسنده رمان «سهم من» تحصیلات تکمیلی خود را در رشته روانشناسی و علوم اجتماعی و تربیتی به اتمام رسانده، تخصص و تجربه بسیار زیاد وی، خصوصا پرداختن به حوزه‌ی زنان باعث شده که نگرشی که در داستان معرفی می‌کند، مبتنی بر دغدغه‌های ذهنی‌اش به سمت نظریات و تفکرات روشنفکرانه و همچنین انسان‌های فرهیخته و تحصیلکرده سوق پیدا کند. و از آن جایی که این رمان، رنج‌ها و محرومیت‌های زنان را در برهه‌ای از تاریخ و به شکل کاملا واقع‌گرایانه منعکس کرده، مخاطبان بسیار زیادی از هر قشر و طبقه‌ای را با خود همراه کرده و با استقبال زیاد خوانندگان رو به رو شده است.

Archive of SID

منابع:

۱. رضی، داوود، عمرانی، سجاد، دارایی زاده، علی (اسفند ۱۳۹۲). «رویکرد جامعه‌شناسی به نقد ادبی (با تاکید بر ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن)». هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادب فارسی. صص ۹۴۱-۹۳۹
۲. ساعی، ایرج (۱۳۹۲)، «پژوهشی در جای خالی سلوچ»، تهران، انتشارات بهمن برنا، چاپ اول
۳. صنیعی، پرینوش (۱۳۸۲). «سهم من». روز بهان. تهران، چاپ اول
۴. عسگری، عسگر، شهبازی، آرزو (۱۳۹۳). «نقد ساخت‌گرایی رمان همسایه‌ها»، نشریه مطالعات داستانی، سال دوم، شماره ۳. صص ۷۰-۶۷
۵. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۷). «درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات». مترجم محمد جعفر. پوینده، نقش جهان، تهران
۶. گلدمن، لوسین (۱۳۷۱). «جامعه‌شناسی ادبیات دفاع از جامعه‌شناسی رمان» مترجم محمد جعفر پوینده. هوش و ابتکار، تهران
۷. گلدمن، لوسین (۱۳۸۲). «نقد تکوینی». ترجمه محمد تقی غیائی، تهران: موسسه انتشارات نگاه
۸. لوکاچ، جورج (۱۳۸۰). «نظریه رمان»، مترجم حسن مرتضوی، نشر قصه، تهران
۹. لوکاچ، جورج (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی رمان». محمد جعفر پوینده. ماهی، تهران
۱۰. مصباحی پور ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸). واقعیت اجتماعی و جهان داستان، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران. موسسه انتشارات امیر کبیر